در گفت‌وگوی «فرهیختگان» با فرزاد موتمن درباره اوضاع سینما مطرح شد

مهم‌ترین اشتباه سینمای ایران، تاسیس خانه سینما بود

مجتبی اردشیری
روزنامه‌نگار

فرزاد موتمن یکی از کارگردانان و مدرسان سرشناس سینماست؛ سینماگری که طی دو دهه فعالیت حرفه‌ای خود، همواره در بخش خصوصی و به‌صورت مستقل فیلم ساخته است. دوران تحصیلات تکمیلی را پیش از انقلاب در آمریکا گذراند. به همین دلیل، اشراف اطلاعاتی خوبی بر گزاره‌های آکادمیک و اجرایی هالیوود و مسائل حول آن دارد. با توجه به اینکه این روزها سینما، در حال تجربه شرایط بسیار ویژه‌ای است با فرزاد موتمن هم کلام شدیم تا ضمن ریشه‌یابی عمده‌ترین مشکلات ساختاری، تحلیلی هم از وضعیت کلی سینمای خودمان با دیگر جوامع از جمله آمریکا داشته باشیم. گفت‌وگویی که به دلیل صراحت لهجه موتمن، حاوی نکات قابل تاملی است که امیدواریم از سوی سیاستگذاران سینمایی و البته مدیران ارشاد بی‌پاسخ نماند.

طی چند ماه تعطیلی پروژه‌های سینمایی، مشکلات فراوانی برای سینماگران به وجود آمد. می‌خواهم به‌عنوان یک سینماگر بخش خصوصی که مستقل است و به‌عبارتی پروژه‌محور نیست، کمی از این مشکلات برایمان بگویید.

من آدمی هستم که فقط با درآمدی که از سینما درمی‌آورم، زندگی می‌کنم و هیچ درآمد دیگری ندارم. درنتیجه کرونا برای من مشکل خاصی به‌وجود نیاورد، چون همان مشکلاتی را داریم که همیشه بود. در شرایط فعلی شاید این توقع است که صنوف یا مثلاً خانه سینما درکنار اهالی سینما باشد. اما درواقع خانه سینما در ایران هیچ‌محلی از اعراب و هیچ معنایی ندارد. این خانه زمانی معنا پیدا می‌کند که بتواند به فیلمساز خود در دوران بیکاری این پول بدهد. سینمای ایران این اقتصاد را ندارد که بتواند این کار را انجام دهد، به همین خاطر خانه‌اش هم به درد نمی‌خورد و نبودش بهتر است چون لااقل از زمان یک دفتر کمتر داریم. این دفاتر فقط بروکراتیک هستند، مثل فارابی. درنتیجه کرونا روی من فشار ویژه‌ای نگذاشت حتی خوب هم بود چون مجبور بودیم در خانه بمانیم و کمتر هم هزینه می‌کردیم. من از کرونا خوشم آمد، چیز خوبی بود. (می‌خندد)

با ادامه این روند که کرونا جاخوش کرده و خیال رفتن ندارد، وضعیت پیش‌روی سینما را چگونه ارزیابی می‌کنید. سینمای مادر شرایط خاص، حال روز خوبی نداشت و حالا که به بعضی تعطیلی‌ها خود دراییم، این نگرانی به وجود آمده که ادامه این روند، تاثیرات منفی بسیاری روی چرخه سینمایی کشور می‌گذارد. از تولید تا اکران و دیگر مسائل حاشیه‌ای. تحلیل شما را جهت به آینده سینما در ایران چیست؟

این وقفه از این منظر خوب بود که می‌توانست کمک کند تا بروکراسی اکران یک تجدیدنظر ایی در خود داشته باشد ولی عملاً این اتفاق نیفتاد. یعنی می‌بینیم که با شلوغ شدن اکران، همان سیاست‌های قبلی، دوم‌تریه تکرار شد و کماکان فیلم‌های عده‌ای از فیلمسازان در اکران نادیده گرفته می‌شود و فیلم‌هایی که به بروکراسی و مافیای اکران تعلق دارند، مورد رسانش داده می‌شوند. منتها آقدر تحلیل ندارند که الان وقت مناسبی برای اکران این فیلم‌ها نیست. درنتیجه آب از آب تکان نخورد و همان شرایط قبلی ادامه پیدا کرد.

شرایطی که طی ۱۳-۱۴ سال اخیر از یک طرف مدیریت دولتی و از طرف دیگر پخش کننده‌ها و صاحبان سینما و بعضی از تهیه‌کنندگان به وجود آوردند، تبدیل بحرانی است؛ سینما طبقاتی‌تر شده و فاصله درآمد بین اعضایی که در سینما هستند، بشدت عمیق‌شده است. برنامه‌ریزی‌هایی کمرای اکران می‌کنند، به‌طور وحشتناکی غیرعادلانه و سخیف‌است یعنی همین الان فیلم «سراسر شب» در سینماهاشین اکران است، حالا کاری ندارم که نه تبلیغ دارد و نه پوستر و به‌صورت چراغ‌خاموش در حال نمایش است ولی این فیلم که یک اقتباس ادبی است در فرهنگسرای خاوران و در فرهنگسران تختی دارد نمایش داده می‌شود ولی «شنای پروانه» که فیلمی است راجع به چاقوکش‌ها و لات‌ها، در برج میلاد اکران دارد. این نشان می‌دهد ما چقدر مخاطب را می‌شناسیم. جای این دو فیلم باید عوض شود.

و در این مدت، انفعال مدیران سینمایی خیلی به چشم آمد. طی چهار ماه تعطیلی سینماها و پروژه‌های سینمایی، اینها نه توانستند طرحی عملیاتی کنند که طی آن خدمتی شامل حال سینماگران شود و نه اینکه تغییری در برخی سیاست‌های پراشکال خود به وجود آوردند. در نتیجه، هم سینمادار ما ناراضی است، هم سینماگران و اهالی خانه سینما ناراضی هستند و هم دیگر ارکان تولید و پخش فیلم. این مدیریت منفعل سینمایی، بازهم در یک برهه دیگر خود را نشان داد. چقدر با این رویکرد موافق هستید؟

بله ولی این انفعال مشخصا به کرونا مربوط نیست بلکه همیشه وجود داشته و بوده؛ سال‌هاست همین شکلی است. اصلاً غیر از این نمی‌شود. برای اینکه سینما یک هنر، صنعت و تخصص است و نمی‌شود که شما آدم از این طرف و آن طرف بیاورید بکنید مدیر سینما یا تهیه‌کننده و این آدم‌ها نمی‌توانند حتی دو کلمه راجع به سینما حرف بزنند اما دارند درباره سینما تصمیم‌گیری می‌کنند؛ نمی‌شود. سیستم غلط است.

بیشتر کشورها صنعت دارند مثلاً برای سینمای آمریکا، وزارت فرهنگ تصمیم‌می‌گیرد. گیرد بلکه دفاتر فیلمسازی تصمیم‌می‌گیرند ولی در کشور ما وزارت فرهنگ می‌خواهد تصمیم بگیرد، نه فقط وزارت فرهنگ که دیگر ارگان‌ها می‌خواهند تصمیم بگیرند که این غلط است، یعنی اینها نباید حوزه خالی‌ای داشته باشند چون این یک حرفه است. این شیوه، از بن غلط است. راهکار درست در ایران، تعطیلی سینماست. سینما را باید تعطیل کنند چون همه‌چیز درست می‌شود. بگویند سینما نمی‌خواهیم. حداقلش این است با این شرایط، نمی‌شود. مگر امارات سینما دارد؟ خیر؛ خب ما هم داشته باشیم. چون از این چیزی که الان به اسم سینما داریم، بهتر است.

به سینماهاشین اشاره کردید که خاستگاه غربی دارد. یکی از طرح‌هایی که در ایام تعطیلی سینما رونمایی شد، همین مورد بود؛ طرحی که برای نخستین‌بار در ایران پس از انقلاب اجرا می‌شد. با توجه به اینکه هم اکنون فیلم‌تان (سراسر شب) در این طرح در حال نمایش است، چه نگاهی به طراحی و اجرای آن در دست نمونه‌ها دارید؟

درایران طی ۴۰ سال اخیر مردم اصلاً چنین تجربه‌ای نداشتند ولی اینکه در این دوران به‌خصوص که ما بایک اپیدمی روبه‌رو هستیم و ظاهرا شرایط راهم کم نمی‌کند، این طرح خوب است که ما عجالتاً درایوین داریم به‌شرط اینکه خود سینما به آن کم بها ندهد. یعنی اگر فیلم در درایوین اکران می‌کنیم، تبلیغش را هم کنیم. پوستر و آنونس را هم پخش کنیم و از مردم بخواهیم بروند و آن را ببینند. اکران چراغ‌خاموش را چه کسی می‌رود ببیند؟ ضمن اینکه مخاطب شد. دلیلش این بود که بعد از جنگ جهانی دوم، متفقین که برنده دو فیلم باید عوض شود.

و در این مدت، انفعال مدیران سینمایی خیلی به چشم آمد. طی چهار ماه تعطیلی سینماها و پروژه‌های سینمایی، اینها نه توانستند طرحی عملیاتی کنند که طی آن خدمتی شامل حال سینماگران شود و نه اینکه تغییری در برخی سیاست‌های پراشکال خود به وجود آوردند. در نتیجه، هم سینمادار ما ناراضی است، هم سینماگران و اهالی خانه سینما ناراضی هستند و هم دیگر ارکان تولید و پخش فیلم. این مدیریت منفعل سینمایی، بازهم در یک برهه دیگر خود را نشان داد. چقدر با این رویکرد موافق هستید؟

بله ولی این انفعال مشخصا به کرونا مربوط نیست بلکه همیشه وجود داشته و بوده؛ سال‌هاست همین شکلی است. اصلاً غیر از این نمی‌شود. برای اینکه سینما یک هنر، صنعت و تخصص است و نمی‌شود که شما آدم از این طرف و آن طرف بیاورید بکنید مدیر سینما یا تهیه‌کننده و این آدم‌ها نمی‌توانند حتی دو کلمه راجع به سینما حرف بزنند اما دارند درباره سینما تصمیم‌گیری می‌کنند؛ نمی‌شود. سیستم غلط است.

بیشتر کشورها صنعت دارند مثلاً برای سینمای آمریکا، وزارت فرهنگ تصمیم‌می‌گیرد. گیرد بلکه دفاتر فیلمسازی تصمیم‌می‌گیرند ولی در کشور ما وزارت فرهنگ می‌خواهد تصمیم بگیرد، نه فقط وزارت فرهنگ که دیگر ارگان‌ها می‌خواهند تصمیم بگیرند که این غلط است، یعنی اینها نباید حوزه خالی‌ای داشته باشند چون این یک حرفه است. این شیوه، از بن غلط است. راهکار درست در ایران، تعطیلی سینماست. سینما را باید تعطیل کنند چون همه‌چیز درست می‌شود. بگویند سینما نمی‌خواهیم. حداقلش این است با این شرایط، نمی‌شود. مگر امارات سینما دارد؟ خیر؛ خب ما هم داشته باشیم. چون از این چیزی که الان به اسم سینما داریم، بهتر است.

به سینماهاشین اشاره کردید که خاستگاه غربی دارد. یکی از طرح‌هایی که در ایام تعطیلی سینما رونمایی شد، همین مورد بود؛ طرحی که برای نخستین‌بار در ایران پس از انقلاب اجرا می‌شد. با توجه به اینکه هم اکنون فیلم‌تان (سراسر شب) در این طرح در حال نمایش است، چه نگاهی به طراحی و اجرای آن در دست نمونه‌ها دارید؟

درایران طی ۴۰ سال اخیر مردم اصلاً چنین تجربه‌ای نداشتند ولی اینکه در این دوران به‌خصوص که ما بایک اپیدمی روبه‌رو هستیم و ظاهرا شرایط راهم کم نمی‌کند، این طرح خوب است که ما عجالتاً درایوین داریم به‌شرط اینکه خود سینما به آن کم بها ندهد. یعنی اگر فیلم در درایوین اکران می‌کنیم، تبلیغش را هم کنیم. پوستر و آنونس را هم پخش کنیم و از مردم بخواهیم بروند و آن را ببینند. اکران چراغ‌خاموش را چه کسی می‌رود ببیند؟ ضمن اینکه مخاطب

ادامه از صفحه ۱۲

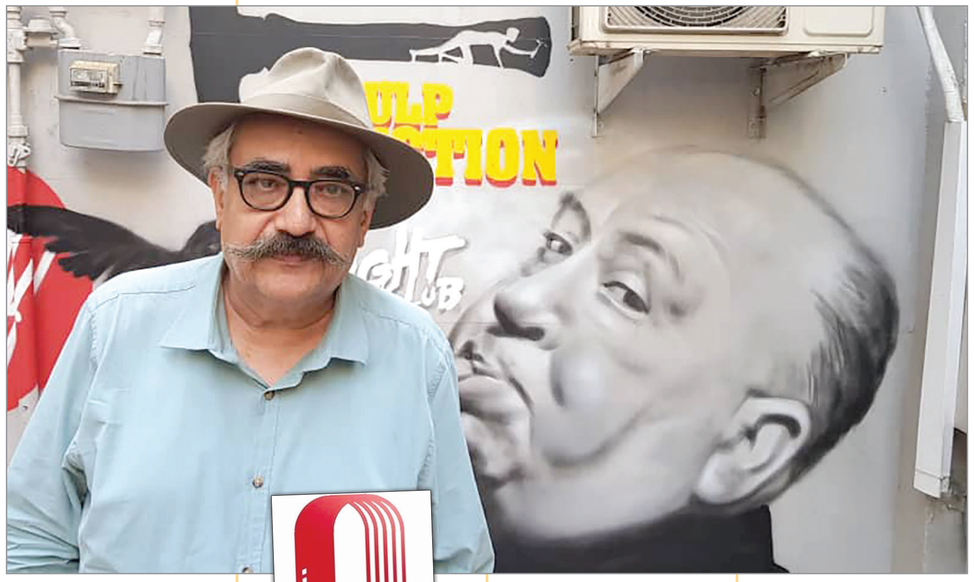

برنامه‌ریزی‌های اکران به‌شدت غیرعادلانه و مسخره است

نمی‌شود که شما آدم از این طرف و آن طرف بیاورید بکنید مدیر سینما

سینما در ایران باید تعطیل شود

فقط برای «خروج» در سینما ماشین تبلیغ شد؛ بقیه فیلم‌ها هم که هیچی

مافیای سینما، زمستان ۸۶ تشکیل شد

مخاطب ایرانی سال‌هاست بی‌سلیقه شده

هم موافق اکران فیلم خارجی هستم و هم مخالف آن

چرا در مملکتی که این همه بحران دارد، ۵۰ تا جشنواره ریز و درشت درست کرده‌اید؟ جامعه ما جشنواره نمی‌خواهد

اگر می‌خواهیم سینما در ایران طبیعی شود، اول از همه باید سازمان سینمایی را منحل کنیم

مکانیسم سینمای ایران باید با خاک یکسان شده و دوباره ساخته شود

در خانه سینما، ۴ تهیه‌کننده‌ای که هیچ فیلمی نمی‌سازند برای ما تعیین تکلیف می‌کنند

من از سینمای ایران نفرت دارم

مهم‌ترین اشتباهی که سینمای ایران مرتکب شد، تاسیس خانه سینما بود

دوستگی در سینما، نتیجه دخالت‌های دولتی است

سینما دارد پوست می‌اندازد و ما در دوران گذار به سر می‌بریم

صراحتا می‌گویید منظورتان از مافیای اکران چه فرد یا افرادی هستند؟ برخی، سیاست‌های مدیریتی و بعضی حمایت‌هایی که می‌شود را در حکم یک مافیا می‌دانند و برخی دیگر هم تعدادی از پخش‌کنندگان و تهیه‌کنندگان را.

منظور من هر دو مورد اینها هستند. یک لبه‌اش مدیران دولتی هستند و یک لبه دیگرش هم برخی تهیه‌کنندگان، دفاتر پخش و صاحبان سینما هستند. مافیا زمستان ۸۶ تشکیل شد. زمستان سال ۸۶، هفت شرکت تولید فیلم، تولید را کنار گذاشتند و با هم متحد شدند و یک شرکت پخش زدند. این همان شرکت پخش است که دارد سینمای ایران را کنترل کرده و جهت می‌دهد. درواقع این شرکتی است که کاملاً مورد حمایت مدیران دولتی است. مهم هم نیست که مدیران، متعلق به کابینه احمدی‌نژاد هستند یا متعلق به کابینه روحانی، اینها همیشه هستند. توافق هم خیلی ساده است: اینها کمدی‌هایشان را ۳۰-۴۰ سینما اکران می‌کنند و از آن طرف، مدیران دولتی می‌توانند فیلم‌های خودشان را با همین تعداد سینما نمایش دهند و این وسط سینمای مستقل را کاملاً سر بریدند و فیلم‌های مارفت در سالنی‌های چرخشی. برای فیلم «صداهای من ساعت ۱۲:۳۰ شب» اس گذاشتند. به فیلم‌های ۱۲۰ سالن دادند و به فیلم‌های خودشان ۱۳۰ تا. بحث‌شان هم این است که فیلم‌های ما می‌فروشند و فیلم‌های شما نمی‌فروشد؛ این دروغ محض است. الان فیلم‌های خودشان در حال اکران هست؛ ببینید چقدر دارد می‌فروشد.

مخاطب ایرانی سال‌هاست بی‌سلیقه شده. سلیقه‌اش را از او گرفتند. برای اینکه سینماها را یکسان کردند. پیش از انقلاب هر سینمایی، یک نوع ویژه‌ای از فیلم را نشان می‌داد مثلاً سینما شهرقصه، فیلم‌های هنری‌تر را نشان می‌داد؛ بوتان، پولک، پری، هابرو... فیلم‌های اینها را در شهرقصه می‌دیدیم. سینماها فقط فیلم‌هندی نشان می‌داد. شهر فرنگ فیلم‌های رده ۱ به، ایتالیایی و فرانسوی نشان می‌داد و بعضی فیلم‌های هالیوودی را. سینما دیاموند، بلاک‌باسترها را نشان می‌داد.

ماحتی در شهرستان‌ها سینماهای تخصصی‌تری داشتیم، مثلاً سینما مترو در شیراز، سری فیلم‌های کمپانی همر (hammer) انگلستان را نمایش می‌داد؛ فیلم‌های ترسناک، کریستوفر لی و این چیزها را. سینما کاپری، موج‌نو نوی ایران را نشان می‌داد. سینما تخت‌جمشید، فیلم‌های قدیمی را اکران می‌کرد. این شکلی، مخاطب سلیقه پیدا کرده بود. آنکه می‌خواست فیلم بهتر ببیند، می‌رفت شهرقصه. آنکه می‌خواست فیلم سرگرم‌کننده ببیند، پرده ببینیم. شرایط اضطراری است دیگر و این شرایط، ویژگی‌های خودش را دارد. من می‌گویم حالا که داریم این طرح را اجرا می‌کنیم، بیاییم جدی‌اش بگیریم. فیلم من الان در جایی دارد نمایش داده می‌شود که مخاطبش آنچنان زندگی نمی‌کند.

البته سامانه‌های وی‌او‌دی هم آنطور که انتظار می‌رفت، با استقبال قابل توجهی مواجه نشد، ضمن اینکه بحث قاچاق فیلم‌ها در این سامانه‌ها، آن هم در کسری از ساعت، عاملی شده که سینماگران هم نسبت به آن، اعتماد کافی ندارند. بنابراین خیلی از مردم ترجیح می‌دهند نسخه قاچاق و رایگان فیلم‌ها را تماشا کنند. البته که گویا این قبیل اتفاق‌ها در قدرتمندترین سامانه‌های اکران اینترنتی جهان ازجمله نتفلیکس هم رخ می‌دهد. نظر شما در این مورد به‌خصوص چیست؟ آیا زیرساخت‌ها دارای مشکل است. فرهنگ این نوع فیلم دیدن هنوز برای ما نیافتاده یا نمی‌توان رقیبی برای سال‌های سینما در نظر گرفت؟

در شرایط فعلی سینماها خیلی با استقبال مواجه نشدند. اینها الان پرفروش‌ترین فیلم‌های سال را اکران کردند که طی دوهفته، فروش یک‌میلیاردی و کمتر از میلیارد داشتند. این فیلم‌ها قرار بود ۴۰ میلیارد بفروشند. شرایط جامعه ویژه است. اتفاقا در این شرایط باید وی‌او‌دی و سینماهایش را جدی بگیریم و برایش برنامه‌ریزی درستی کنیم. به نظر من مشکل اساسی که جلوی ماست، مافیای اکران است که اجازه نمی‌دهند و مرتبا دارند کارشکنی می‌کنند.

می‌رفت شهرفرنگ، دیامونت و رادیوسیتی. هرکدام از سینماها تعریفی داشتند؛ سینماهای زیر میدان انقلاب، فیلمفارسی نشان می‌دادند. این فیلم‌ها بالای میدان انقلاب، تماشاگر نداشت. آن موقع مردم سلیقه پیدا کرده بودند. اولین اتفاق بدی که در سینمای ایران افتاد، این بود که بعد از زمانی، همه سینماها شروع کردند به نمایش فیلم ایرانی. این، اولین اتفاق بدی بود که رخ داد. برای اینکه وقتی شما سینما را یکسان می‌کنید یعنی سلیقه را از جامعه می‌گیرید و همه‌چیز را یکدست می‌کنید و نتیجه‌اش این شد که مردم ما در حال حاضر اصولاً سلیقه سینمایی ندارند. هر فیلمی برایشان نمایش دهید، می‌روند می‌بینند. الان این شکلی است.

پس یعنی مقاومت‌هایی که در رابطه با اکران فیلم خارجی در سینمای ایران می‌شود، به مافیا ربط پیدا می‌کند؟

بله، چون همه سینماها را برای خودشان می‌خواهند. درعین حال با شرایطی که ما داریم، نمایش فیلم خارجی بی‌معنی است. فیلم خارجی موقعی معنا پیدا می‌کند که کمپانی‌ها بتوانند همزمان با اروپا در اینجا دفتر داشته باشند و ما بتوانیم همزمان با آنها، فیلم‌ها را بدون سانسور نمایش دهیم. این اتفاق هم به لحاظ تحریم غیرممکن است و هم به لحاظ ممیزی. با این شرایط چرا باید نشان دهیم. درعین اینکه معتقدم باید فیلم خارجی نمایش داده شود و اصولاً تماشای فیلم خارجی حداقل برای کسی که می‌خواهد فیلمساز شود مهم‌تر از تماشای فیلم ایرانی است و درعین حال من مخالف نمایشش هم هستم. مخاطب ایرانی، فیلم‌های خارجی را بدون سانسور و با قیمت ارزان، روی سی‌دی می‌تواند تهیه کند، آن وقت چرا باید برود در سینما و نسخه لت‌وپار آن فیلم را تماشا کند؟ ما حتی در زمان شاه هم فیلم‌هایمان همزمان نبود. سینماهای ترکیه همزمان با آمریکا این فیلم‌ها را نشان می‌دهند؛ آن هم بدون سانسور، با زبان اصلی و با زیرنویس ترکی. این درست است. این راه نشان دادن است.

می‌دانیم که مدیریت جدید سازمان سینمایی اصل را روی شفافیت گذاشته. شفافیت در ارائه آمار مخاطبان، بلیت‌ها و سینماها، شفافیت در ارائه هزینه کرد، شفافیت در اندادن جشنواره‌ها، سیاست‌ها و... ، شما اگر در این دوران، مدیر سازمان سینمایی بودید، در چه زمینه‌ای شفاف‌سازی می‌کردید؟

این اموری که سازمان سینمایی در موردشان شفاف‌سازی می‌کند، یک بحث اخلاقی است که اصلا ربطی به سینما ندارد. با وضعیت فعلی فساد در اقتصاد، این اوضاع هیچ وقت شفاف نمی‌شود. مهم‌ترین ویژگی جامعه ما این عدم‌شفافیت است. حالا شما مثلاً می‌خواهید بیائید بروید که در فلان جشنواره این بیلان به چه درد می‌خورد؟ من اصلا با جشنواره‌ها مخالفم. چرا در مملکتی که این همه مشکل دارد، ۵۰ جشنواره ریز و درشت درست کرده‌اید و مدام میلیارد، میلیارد هزینه این جشنواره‌ها می‌کنید؟ این جشنواره‌ها به چه دردی می‌خورند و اصلا چه برآیندی داشته‌اند؟ جامعه ما جشنواره نمی‌خواهد، بگذارید اول صنعت داشته باشیم. ما اداهستیم؛ فقط داداهای همه‌چیز را درمی‌آوریم و آنچه الان مدام می‌گویند شفافیت شفافیت، اینها همه یک واکنش است.

بنابراین و با این تفاسیر اولویت اول سازمان سینمایی را چه می‌دانید؟

بنظر من اگر واقعا می‌خواهیم سینما طبیعی شود، اول از همه باید سازمان سینمایی را منحل کنیم. اینجا اداره کل بود، برای چه تبدیل به سازمان شد؟ برای اینکه بودجه بیشتری بگیرند؟ آن بودجه را می‌خواهند چه کار؟ جز اینکه با آن بودجه ما را بدبخت می‌کنند؟ سازمان سینمایی در این مملکت چه کاره است؟ ما این سازمان را می‌خواهیم چه کار؟

پس وظایف محوله این سازمان مثل پروانه ساخت و نمایش، شورای نظارت و ارزشیابی، شورای صنفی نمایش و... را چه نهادی انجام دهد؟

یک دفتر می‌خواهد با چهار کارمند بتواند پروانه ساخت و نمایش بدهد. این همه دکوز ندارد که... اصلا ما به شورای صنفی نمایش نیاز نداریم. در کجای دنیا شورای صنفی نمایش وجود دارد؟ در کجا این بحث‌ها هست؟ در هالیوود، شرکت‌های فیلمسازی خودشان سالن دارند که به تعداد سالن‌هایشان فیلم می‌سازند و پخش می‌کنند. برای یک فیلم چهار هزار سالن و برای فیلمی دیگر ۱۲۰ سالن و هر دو جور فیلم را هم می‌سازند؛ هم فیلم مخاطب عام و هم فیلم مخاطب خاص. یکی چهار هزار سالن می‌رود و یکی هم ۱۰۰ سالن، پول هر دو را هم در می‌آورند. البته بعضی جاها هم ضرر می‌کنند، اما با پولی که جای دیگری در می‌آورند، جبران می‌کنند. تمام این اتفاق‌ها به این دلیل رخ می‌دهد که در کشور ما دولت می‌خواهد در سینما دخالت کند. تا وقتی که این دخالت وجود دارد، ما سینما نداریم. موقعی سینما داریم که دولت به سینما کاری نداشته باشد. ما خودمان فیلم می‌سازیم و نمایش می‌دهیم.

جه تضمینی وجود دارد که خود فیلمسازان به‌وفاق برسند و مثل الان دچار درگیری و اختلاف سلیقه و چندبخشی شدن نباشند؟

الان در خانه سینما، تهیه‌کنندگان چهار گروه شده‌اند. من نمی‌دانم اینها چه اختلافی با هم دارند. اینها مگر جهان‌بینی دارند که این جهان‌بینی با فرد دیگری نمی‌خواند؟ باند است. منشأ پولی که در جیب این ریخته می‌شود با منشأ پولی که در جیب نفر دیگر ریخته می‌شود، دو تاست وگرنه تفکری وجود ندارند که سر آن تفکر با یکدیگر مشکل داشته باشند. مکانیسم سینمای ایران باید با خاک یکسان و دوباره ساخته شود. سازمان سینمایی باید تبدیل شود به اداره کل امور سینمایی؛ همان چیزی که قبلاً بود؛ چهار کارمند. ما الان به بنیاد فارابی احتیاجی نداریم، به چه دردی می‌خورد؟ بنیاد فارابی تبدیل شده به جایی که برای یک عده از کسانی که پارتی دارند، آمریکایی را فرهم می‌کند که فیلم بسازند و دیگران را ابزوله می‌کنند. ما چنین جایی را برای چه می‌خواهیم؟

خانه سینما را هم نمی‌خواهیم؛ این خانه به درد هیچ چیزی نمی‌خورد. خانه سینما باید بتواند وقتی که من بیکارم، ماهانه به من پول بدهد. نمی‌تواند بدهد پس به درد نمی‌خورد. سندیکا و تشکل صنفی، فرهنگ دارد که ما آن فرهنگ را نداریم. در فرانسه کارگرها از انقلاب فرانسه به بعد شوراهای کارگری داشتند، به‌همین خاطر سینمایش هم حالا سندیکا دارد و مشغول کار است. در کشوری که چنین سابقه‌سندیکایی وجود ندارد، شما هر دفتری به هر اسمی که بگذارید، فقط یک تشکل بروکراتیک است برای بدبخت کردن همه. شورای داوری خانه سینما بزرگ‌ترین ظلم را به من کرده. این هیچ وقت شفاف نمی‌شود. شوراها چرا سال زندگی مرا از بین برده؟ دیوان بلخ است. چهار تهیه‌کننده که هیچ فیلمی نمی‌سازند، چهار فسیل برای ما تعیین تکلیف می‌کنند و قرارداد هایی را که قانونی هستند، به رسمیت نمی‌شناسند. ما به هیچ‌کدام اینها احتیاجی نداریم.

> **بنظر من اگر واقعا می‌خواهیم سینما طبیعی شود، اول از همه باید سازمان سینمایی را منحل کنیم. اینجا اداره کل بود، برای چه تبدیل به سازمان شد؟ یعنی برای اینکه بودجه بیشتری بگیرند؟ آن بودجه را می‌خواهند چه کار؟ جز اینکه با آن بودجه ما را بدبخت می‌کنند؟ سازمان سینمایی در این مملکت چه کاره است؟ ما این سازمان را می‌خواهیم چه کار؟**

با این تفاسیر، به‌شکل کلی آینده سینما را چگونه می‌بینید؟

بنظرم می‌آید که در سطح دنیا چه اتفاقی می‌افتد، چون بنظرم می‌آید سینما به آن معنی هالیوود کلاسیکی که داشتیم طی دو، سه دهه آینده در همه‌جای دنیا از بین برود. به‌نظر می‌آید سینما اصالت ادبیات و موسیقی را نداشت. سینما به خاطر وجود صنعتی که داشت و به‌خاطر تسلطی که پول و سرمایه‌گذاری و بانک‌ها در دنیا و در کشور ما نهادهای حکومتی رویش گذاشتند، تبدیل به هنر خیلی اصیلی نشد. به‌نظرم سینما رو به مرگ است و به‌زودی احتمالا سال‌های سینما از بین بروند. شاید سینما از این به بعد بیشتر خالی است و ما از طریق فضای مجازی و اینترنت با فیلم‌ها ارتباط بگیریم.

گسترش کامپیوتر و تکنولوژی دیجیتال به ابزوله شدن آدم‌ها بیشتر کمک کرد. مردم الان راحت‌تر هستند که در خانه‌هایشان فیلم‌ها را ببینند و جطور شود که بروند سینما و اگر شرایط به‌همین شکل ادامه پیدا کند، این روند تشدید می‌شود و این هم از این قاعده منفک نیست. فکر می‌کنم ما به‌زودی مجبور می‌شویم در کمپیوتر سیون و قابه‌بندی به این فکر کنیم که از این به بعد با پرده‌های کوچک‌تری کار خواهیم کرد و باید بشکل دیگری فیلم بسازیم. به‌نظر من سینما دارد، پوست می‌اندازد و ما در دوران گذار به‌سر می‌بریم. از یک دورانی داریم به دوران دیگری می‌رسیم، الان در مه هستیم و نمی‌دانیم چه پیش می‌آید. من خیلی خوش‌بین نیستم. فیلم‌های ۱۵-۱۰ سال اخیر سینما را دوست ندارم، دیگر حال نمی‌دهد. به‌نظرم یک آدم سینما قبل از اینکه واقعا تکامل پیدا کند و به هر پخته‌ای تبدیل شود، ذبح شده. فکر کنم از همان وقتی که تالیوت گفت: «فیلم خوب فیلمی است که می‌فروشد.» سینما از بین رفت و حملات شروع شد؛ فعلاً همه‌چیز مبهم است.

یک بیمه، چرا باید به خانه سینما مراجعه کنم؟ می‌روم در یکی از این دفاتر و بیمه می‌شوم. من بیمه شما را نمی‌خواهم. هرچند با ۶۴ سال هنوز بیمه نیستم. من نه بیمه هستم، نه زمینی گرفته‌ام، نه خانه‌ای گرفته‌ام، نه عیدی گرفته‌ام، نه سبد کالایی گرفته‌ام و... کلافه‌ام، کلافه.

خب همین، چه می‌شود که بین سینماگران تا این اندازه اختلاف وجود دارد که شما و دوستان‌ان قائل به‌حذف خانه سینما هستید و همکاران دیگرتان قائل به این حذف نیستند. چه می‌شود که همکاران خودتان که سابقه و نظام فکری شما را می‌دانند، در شورای داوری خانه سینما ضد شما رای می‌دهند؟ می‌دانند که فرزاد موتمن از سینمای مستقل می‌آید و اصلا اهل این شامورتی‌بازی‌ها نیست.

هروقت می‌خواهم فیلمی بسازم، این تهیه‌کنندگان شروع به‌رنگ زدن به این طرف و آن طرف می‌کنند که به موتمن کار ندهید. برای اینکه من کارگردان هستم و آنها هیچ‌گاه کارگردان نبوده‌اند، بلکه پادو بوده‌اند. دخالت‌های دولتی در سینما، سبب این دوستگی شده؛ متفعل شدن تهیه‌کنندگان سنتی سینما در حالی که ما به آن تهیه‌کنندگان نیاز داریم، آمدن نسلی از تهیه‌کنندگان که ربطی به سینما نداشتند، ورود پول‌های بسیار کلان به سینما، بالا بردن نجومی دستمزد بازیگران و رانتی کردن شرایط خوب فیلم‌سازی که برای یک عده مهیا باشد تا بقیه له‌له بزنند.

اینها همه شرایطی را به‌وجود آورده که ما فیلمسازان را روبه‌روی هم قرار داده. اختلاف طبقاتی بین فیلمسازها شدید شده و همچنین اختلاف طبقاتی بین بچه‌های سینما؛ یعنی بازیگر و فیلمبردار، بازیگر و کارگردان، بازیگر و گروه فیلمبرداری، بازیگر و بازیگر و... تمامش هم به‌این دلیل است که تهیه‌کنندگان درآمدشان از اکران ندارند، بلکه از تولید دارند. وقتی شرکت‌های فیلمسازی خودشان پول نمی‌گذارند و مثل معاملات ملکی دارند عمل می‌کنند، شرایط همین می‌شود. معاملات ملکی که خودش پول نمی‌دهد، بلکه به مشتری می‌گوید چهار خانه اینجا دارم و می‌رود نشان می‌دهد بعد قرارداد می‌بندد و پورسانت را می‌گیرد. تهیه‌کنندگان ما الان همین کار را می‌کنند. می‌گویند پول بیاور که فیلم بسازیم. حالا ۱۵ درصدش هم مال من است، چون من تهیه‌کننده‌ام. درآمد اینجاست. بنابراین درآمد در اکران نیست، درحالی که درآمد سینما باید در اکران باشد، این فساد می‌آورد، این باعث همه مشکلات شده، این باعث شده عده‌ای بیکار بشوند، این باعث شده خانواده‌هایی متلاشی شوند، در سینمای ایران جنایت شده. این باعث شده عده‌ای بی‌دلیل خیلی بالا کنند و این باعث شده برای فیلم‌های بعضی هم پارتی‌بازی ممکنی را انجام دهند و بعضی از فیلم‌ها را واقعا سرکوب شده. اوضاع سینما خراب شده است خصوصا طی ۱۰ سال اخیر. ما الان در شرایط خیلی خیلی بدی هستیم. کرونا برای سینما موهبت بود، فقط سینما از آن درس نگرفت.

با این تفاسیر، به‌شکل کلی آینده سینما را چگونه می‌بینید؟

بنظرم می‌آید که در سطح دنیا چه اتفاقی می‌افتد، چون بنظرم می‌آید سینما به آن معنی هالیوود کلاسیکی که داشتیم طی دو، سه دهه آینده در همه‌جای دنیا از بین برود. به‌نظر می‌آید سینما اصالت ادبیات و موسیقی را نداشت. سینما به‌خاطر وجود صنعتی که داشت و به‌خاطر تسلطی که پول و سرمایه‌گذاری و بانک‌ها در دنیا و در کشور ما نهادهای حکومتی رویش گذاشتند، تبدیل به هنر خیلی اصیلی نشد. به‌نظرم سینما رو به مرگ است و به‌زودی احتمالا سال‌های سینما از بین بروند. شاید سینما از این به بعد بیشتر خالی است و ما از طریق فضای مجازی و اینترنت با فیلم‌ها ارتباط بگیریم.

گسترش کامپیوتر و تکنولوژی دیجیتال به ابزوله شدن آدم‌ها بیشتر کمک کرد. مردم الان راحت‌تر هستند که در خانه‌هایشان فیلم‌ها را ببینند و جطور شود که بروند سینما و اگر شرایط به‌همین شکل ادامه پیدا کند، این روند تشدید می‌شود و این هم از این قاعده منفک نیست. فکر می‌کنم ما به‌زودی مجبور می‌شویم در کمپوزیسیون و قابه‌بندی به این فکر کنیم که از این به بعد با پرده‌های کوچک‌تری کار خواهیم کرد و باید بشکل دیگری فیلم بسازیم. به‌نظر من سینما دارد، پوست می‌اندازد و ما در دوران گذار به‌سر می‌بریم. از یک دورانی داریم به دوران دیگری می‌رسیم، الان در مه هستیم و نمی‌دانیم چه پیش می‌آید. من خیلی خوش‌بین نیستم. فیلم‌های ۱۵-۱۰ سال اخیر سینما را دوست ندارم، دیگر حال نمی‌دهد. به‌نظرم یک آدم سینما قبل از اینکه واقعا تکامل پیدا کند و به هر پخته‌ای تبدیل شود، ذبح شده. فکر کنم از همان وقتی که تالیوت گفت: «فیلم خوب فیلمی است که می‌فروشد.» سینما از بین رفت و حملات شروع شد؛ فعلاً همه‌چیز مبهم است.

ادامه در صفحه ۱۳

چارسو

کنسرت آنلاین سالار عقیلی

کنسرت آنلاین سالار عقیلی با همراهی همسرش حربر شریعت‌زاده به‌عنوان نوازنده پیانو ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه روز سوم مرداد ماه از طریق یکی از اپلیکیشن‌های رسمی کشورمان برگزار می‌شود. سالار عقیلی ازجمله هنرمندانی است که طی ماه‌های گذشته به‌دلیل شیوع ویروس کرونا و همه‌گیر شدن بیماری کووید-۱۹ عمدتا خانه‌نشینی را ترجیح داده است، پیش از این نیز همراه با همسر و فرزندش ماهور اجرای زنده‌ای را از منزل برای طرفدارانش اجرا کرده بود. تا کنون خوانندگان و گروه‌هایی چون کیهان کلهر، علیرضا قربانی، همایون شجریان، روزبه نعمت‌اللهی، پرواز همایی، وحید تاج، کیوان ساکت، سین